



اخبار

ناگفته‌های محمد هاشمی در تاریخ شفاهی ایرانصدا

محمد هاشمی ضمن حضور در استودیو ایرانصدا به بیان خاطرات و ناگفته‌هایی از زندگی سیاسی خود و مرحوم هاشمی رفسنجانی در قبل از سال ۵۷، ابتدای انقلاب و سایر دوران مسؤولیتی و مدیریتی خود پرداخت.



به گزارش جام‌جم، محمد هاشمی علاوه بر نقل خاطراتی از دوران مسؤولیت خودو فعالیت‌ها و اقدامات انجام شده در زمان مدیریت وی بر سازمان صدا و سیما، حواشی و همچنین حیات سیاسی مرحوم آیت‌ا... هاشمی‌رفسنجانی سخن گفت. محمد هاشمی سمت‌هایی از قبیل معاون اجرایی رئیس‌جمهور، معاون سیاسی نخست‌وزیر، قائم‌مقام وزیر خارجه، ریاست سازمان صدا و سیما و عضویت در مجمع تشخیص مصلحت نظام را در کارنامه خود دارد. وی ضمن بیان آنچه بر انقلاب مردم مسلمان ایران در این سال‌ها گذشته توصیه‌هایی را نیز در مورد نحوه اجرای گام دوم انقلاب بیان کرد.

ویژه‌برنامه گام دوم، برنامه‌گفت‌وگومحوری است که توسط حسن شمشمادی اجرا می‌شود و در هر قسمت با میزبانی از یکی از شخصیت‌های برجسته کشور با هدف بیان تاریخ شفاهی و زندگی شخصی و سیاسی مهمانان تولید و در چند بخش روی پایگاه تاریخ شفاهی ایرانصدا قرار می‌گیرد. علاقه‌مندان برای شنیدن این گفت‌وگو می‌توانند نرم‌افزار تلفن همراه ایرانصدا را برای سیستم عامل اندروید و IOS از نشانی iranseda.ir به صورت رایگان دریافت کنند.

ظرفیت اقتصاد در سازمان صداوسیما برجسته است

محمدرضا مهدیار اسماعیلی، مدیررادیو اقتصاد نگاه جدید و مثبت سازمان صدا و سیما را به مبحث اقتصاد بسیار متفاوت‌تر از گذشته دانست.



به گزارش جام‌جم، دکتر اسماعیلی در اولین نشست با همکاران این شبکه پس از انتصاب مدیریت در رادیو اقتصاد، از سیاست‌های جدید برنامه‌سازی در این شبکه به منظور ارتقای برنامه‌ها و با توجه به وضعیت معیشتی جامعه خبر داد و گفت: مهم‌ترین گام در برنامه‌سازی توجه به نیازهای مردم و به‌خصوص تأمین اطلاعات معیشتی و اقتصادی شفاف و همه فهم است که در اصل رعایت اصول عرضه محتوا با توجه به تقاضا و نیاز مخاطب است.

وی افزود: نباید نگاه صرف تخصصی به حوزه اقتصاد در برنامه‌سازی ما را از فضای عمومی جامعه دور کند.

مدیررادیو اقتصاد استفاده و بهره‌گیری از تمامی ظرفیت‌ها و ابزارها در برنامه‌سازی همچون به‌کارگیری موسیقی شاد مرتبط با کار و تلاش، موضوعات سرگرمی و ارائه آگاهی بخشی را در این رسانه لازم و ضروری دانست.

وی با اشاره به نیروهای انسانی رادیو اقتصاد به عنوان سرمایه این رسانه گفت: با بهره‌مندی از نیروهای باتجربه این شبکه می‌توان حضور پررنگ‌تری در انعکاس اطلاعات روز اقتصاد جامعه داشت.

او ضمن تأکید بر توانمندی رادیو اقتصاد به عنوان بزرگ‌ترین رسانه عرصه اقتصاد کشور یادآور شد این شبکه می‌تواند حضوری مستمر و پررنگ‌تر در کنار ایرانیان داشته باشد.



درگیری هند و پاکستان مستند شد

جدیدترین قسمت از برنامه تلویزیونی «۳۰ درجه» به بررسی تنش‌های چند هفته اخیر بین هند و پاکستان می‌پردازد.

به گزارش روابط عمومی شبکه مستند، تنش در روابط پاکستان و هند، در هفته‌های اخیر به اوج خود رسیده است و هر دو کشور، اقدامات خصمانه زیادی

گفت‌وگو با جواد خواجوی، بازیگر سریال‌های محرمانه و سرباز که بیشتر به‌خاطر فعالیت‌هایش در فضای مجازی مشهور است

بالهجه‌ام کاسبی نکرده‌ام

ادامه از صفحه ۵

📌 شما کارتان را از مشهد و با تئاتر شروع کردید.

من در واقع با علاقه‌ای که در خانه‌مان به تلویزیون داشتم، شروع کردم. بعدتر کارم را با علاقه‌ای که به نوشتن داشتم، شروع کردم.

📌 از چه سنی؟

هفت سالگی. زمانی که پاپم را برای رفتن به مدرسه از خانه بیرون گذاشتم، به خاطر شرایطی که داشتم با وضعیتی نامتعارف وارد اجتماع شدم و این من را تنها می‌کرد.

📌 چه شرایطی؟

از زانو تا کمرم در آهن بود و این نگاه مردم به من را متفاوت می‌کرد.

📌 چرا چنین شرایطی داشتید؟

دچار بیماری شدم. کلاس ژیمناستیک می‌رفتم، استخوان پایم ساییده شد و مجبور شدم پنج شش سال با این آهن‌ها زندگی کنم. این شرایط باعث شد من بیشتر با خودم باشم و تنهایی را حس کنم. دوست، کم داشتم چون همه یک جوری نگاهم می‌کردند. تنهایی، آدم را رویاپرداز و خیالیاف می‌کند. من با لباس‌هایم، آسفالت کف خیابان و درخت‌ها دوست می‌شدم. با حیوان‌ها حرف می‌زدم. نشانه‌های آن را الان در کارم می‌توانید ببینید.

📌 پس ماحصل آن شرایط ناگوار امروز به کارتان آمده است.

دقیقا. هنر اولش خلاقیت است. مشکلم باعث شد چنین چیزهایی در ذهنم خلق و ندیایی تازه برایم ایجاد شود. کتاب می‌خواندم و به صورت عجیبی از کودکی ساز می‌زدم، تمپو، تنیک و... کلاس‌های کوبه‌ای را بدون این‌که کسی به من آموزش دهد، می‌زنم. تا حدی پیش رفتم که در تالار مولوی و حافظ تهران اجرا داشتم. آهنگسازانی بودند که از ساز زدن من فیلم گرفتند؛ با این‌که خودم تئوری موسیقی نمی‌دانم اما با حرفه‌ای‌ترین آدم‌ها ساز زدم. به خواندگی، نویسندگی و بازیگری علاقه‌مند بودم و هستم.

📌 چه شد بازیگر شدید؟

من قبلا که تلویزیون می‌دیدم یک چشمم اشک‌نار حتی بود و یکی خوشحالی. کره می‌کردم و دلم می‌خواست به جای آن شخصیت‌ها باشم. سیب خنده، مجید دل‌بندم، قطار ابدی و... می‌دیدم و دوست داشتم جای آنها باشم. تئاتر می‌دیدم و دلم می‌خواست روی صحنه بروم. در هنرستان رشته سینما را انتخاب کردم، بخشی از تئوری سینما را آنجا آموختم؛ بخش دیگری را هم خودم دنبال کردم و خواندم چون دانشگاه به من هیچی نداد. دانشگاه آزاد شیراز رفتم اما بعد از یکی دو ترم فرار کردم.

📌 در دانشگاه سینما می‌خواندید؟

بازیگری تئاتر.

📌 چرا هاکردید؟

دانشگاه برای ما هیچ چیزی ندارد. خودم کار کردم. دستپاری و نویسندگی کردم.

📌 در مشهد؟

بله. دستپاری کارگردان، مدیر تولید، تدوینگری، صداپردازی، عکاسی و همه کارهایی که به این فضا مرتبط است را انجام دادم. تا همین یکی دو سال پیش هم به هیچ نتیجه خاصی نرسیده بودم.

📌 سرخورده نشدید از این‌که اتفاق خوبی

برایتان نمی‌افتاد؟

نه. این کار همه زندگی من است. زندگی من هنر است. فکر نکنید دلم می‌خواهد بروم

📌 یعنی محدودیت‌هایی بوده است و شما از پس آن رشد کردید؟

باور کنید محدودیت خاصی هم نیست. یک‌سری آدم غیراین‌کاره آنجا هستند که مثلا نمایش‌شان را از روی صحنه پایین آورده‌اند. در صورتی که این گروه اگر اجرا می‌کردند هم اتفاق خاصی برایشان نمی‌افتاد. بیشتر چون کاربلد نیستند، حاشیه می‌سازند تا خودشان را معروف کنند. همین باعث می‌شود نگاه بدی به مشهد وجود داشته باشد. من در بدی به مشهد موسیقی، تئاتر و... کار کردم و هیچ‌کس نیامده است جلوی من را بگیرد. من نمی‌دانم آنهایی که می‌آیند و جلوی آدم‌ها را می‌گیرند اصلا چه کسانی هستند!

📌 قصه ورودتان به تلویزیون چه بود؟



این لهجه جذاب

جواد خواجوی: برای من ویدئو می‌فرستند و می‌بینم آدم‌ها در آن سر دنیا هم مشهدی حرف می‌زنند. این خیلی جذاب است؛ این‌که آدم‌ها همان چیزی را که هستند نشان می‌دهند خیلی خوب است. وقتی کسی بخواهد لهجه‌اش را پنهان کند در هزاران کلمه را به روی خود بسته است. من اگر بخواهم حرفم را درست برای شما بیان کنم باید همان چیزی را که آموختم، به شما بگویم. حالا مدام بخواهم این کلمه و آن کلمه را بیان نکنم و لهجه‌ام را پنهان کنم، خُب نمی‌توانم حرف بزنم. این‌گونه ارتباط بین آدم‌ها کم می‌شود. آدم‌ها می‌شوند یک‌سری ربات که به هم سلام و خداحافظ می‌کنند. الان مشهد می‌روم، کیف می‌کنم. دختر و پسرها با تیپ‌های خاص دارند مشهدی حرف می‌زنند...

بیرون و مردم با من عکس بگیرند. من دنبال شهرت و این چیزها نیستم. این روزها آدم می‌تواند به راحتی تا ته شهرت برود. همین الان گل را بردارید، بریزید در این پارچ، به آن قهوه، نوشابه و آب اضافه کنید و سر بکشید؛ همه فالوپتان می‌کنند. اسمش را هم می‌گذارند ترکیبی زدن!

📌 پس چه برایتان مهم است؟

برایم این مهم است که مردم به من احترام بگذارند، سطح کار را بفهمند و بدانند دارند به چه می‌خندند. دوست دارم مردم مثل یک عضو خانواده‌شان که پیشرفت کرده و به من نگاه کنند. وقتی استوری می‌گذارند و می‌گویند جواد آقایمان رفته است تلویزیون، خوشحال می‌شوم.

📌 جالب این است که بازیگران خراسانی زیاد داریم. گویا تئاتر آنجا خوب کار می‌کند.

بله. می‌گویند هر چه باشگاه خفن‌تری بروی عضله‌های قوی‌تری خواهی داشت.

را علیه یکدیگر انجام داده‌اند. ماجرا از حمله هندی‌ها به مردم پاکستان در کشمیر صورت گرفت که باعث شد ضمن اعلام حکومت نظامی در این منطقه، بسیاری از کشمیری‌ها توسط نظامیان هندی در خانه‌های خود زندانی شوند.

این قسمت از برنامه ۳۰ درجه، ضمن بررسی تاریخی بر روابط دو کشور،

درگیری‌ها و تنش‌های چند هفته اخیر را زیر ذره‌بین برده است. ۳۰ درجه مجموعه مستندهای اجتماعی، فرهنگی و سیاسی است که با توجه به اتفاقات و سوژه‌های مهم هر هفته با تهیه‌کنندگی و کارگردانی محمدهادی نعمت‌اللهی، جمعه‌ها ساعت ۲۱ و ۳۰ دقیقه از شبکه مستند سیما پخش می‌شود.

رسانه مثل تلویزیون با این طیف بیننده درباره برخی مسائل حساس دوره نوجوانی صحبت کنیم. باید کلبیتی را به بهترین شکل و تا آن حدی که نوجوان به ما نخندد را بیان کنیم. نباید کاری کنیم که او بگوید اینها چه می‌گویند و ما کجای کاریم! نوجوانان امروز، دختر یا پسر تغییر کرده‌اند. متأسفانه ممکن است یک‌سری مواد مخدری مصرف کنند که ما حتی اسمش را نمی‌دانیم.

📌 با تمام این حرف‌ها شما از نتیجه سریال محرمانه راضی هستید؟

به نظرم گفتن از مسائل نوجوانان حتی به‌صورت حداقلی هم خوب است. فکر می‌کنم سریال بد نشده است. من اگر تیتراژ محرمانه را خوانده‌ام، چون می‌دانم بچه‌های امروز دیگر سبک مجید اخشابی را گوش نمی‌دهند و باید را یک بگویم چرا فلان موسیقی را گوش می‌دهی؟ می‌گویند دوست دارم. پس باید برایش موسیقی که دوست دارد بسازیم و حرف خودمان را در قالب آن بزنیم. وقتی کسی می‌گوید جای نمی‌خواهم و قهوه می‌خورد، باید با او چه کار کرد؟ باید در قهوه، آن چیزی را که می‌خواهیم به او بدهیم. در مورد سریال اما باید بگویم متأسفانه در زمان بدی از شبکه سه پخش می‌شود؛ هفت و نیم شب ساعت خوبی برای دیده شدن کار نیست.

📌 اگر کار جدیدی چه خبر؟

این شب‌ها در نمایش عشق من، حامد بهداد با ارسطو خوش رزم بازی می‌کنم. کارگردانی هم با ارسطو است که پسر آقای بهروز خوش رزم، تهیه‌کننده سریال روزی روزگاری و مجموعه‌های خوب تلویزیون است.

📌 این نمایش اولین بار سال ۹۱ با بازی افشین هاشمی اجرا رفت.

بله. اجرای خیلی خوبی بود. حالا ما از او اجازه گرفته و آن را روی صحنه برده‌ایم. علاوه بر این یک سریال نمایش خادگی هم داریم که هنوز پیش تولیدش شروع نشده و پراز ستاره‌های تلویزیون و سینماست.

📌 در این سریال هم لهجه دارید؟

نه.

📌 ممکن است عده‌ای بگویند جواد خواجوی فقط نان لهجه‌اش را می‌خورد، فقط با لهجه بامزه است و غیر از آن نمی‌تواند خوب بازی کند.

من لهجه داشتن را دوست دارم اما این مقوله جدایی است و نمی‌خواهم در کارم چنین چیزی جا بيفتد. ممکن است دیگر در بازیگری لهجه را استفاده نکنم. نمی‌خواهم باور غلطی ایجاد شود که دیگران فکر کنند من فقط بلدم مشهدی حرف بزنم و مدل دیگر بلد نیستم بازی کنم. نقش‌م در این سریالی که گفتم بدون لهجه است و سیلیم را هم می‌خواهم برای آن بزنم.

📌 شما گفتید امروزتان را دیروز آرزو کرده بودید، پس یعنی به آن چیزی که می‌خواستید رسیده‌اید.

برایم تأثیرگذاری مهم است. می‌خواهم در مدتی که در این دنیا برای زندگی به من وقت داده شده است، خطی روی تاریخ بیندازم. یک‌سری آدم در طول تاریخ مصرف‌کننده بودند و عده‌ای تولیدکننده، یک‌سری آدم هم آن بالا بودند، همه برایشان دست تکان می‌دادند و حسرتشان را می‌خوردند. من دوست ندارم آن آدم‌ها را با انگشت نشان دهم، می‌خواهم آن آدم‌ها باشم. به دنبال قدرت‌نیست نیستم بلکه اثرگذاری‌اش را می‌خواهم. دنبال این هستم که به آدم‌ها ثابت کنم می‌شود از پایین، بالا رفت و می‌شود هم که از بالا محکم خورد زمین. می‌خواهم به آدم‌ها بگویم خیلی دنبال الگو و اسطوره داشتن نروند. الگو می‌خودم هستم. حالا هر که می‌خواهد به این حرف من بخندد و هر که می‌خواهد قبول کند. 📌



خورشید خیلی بیننده داشت و روی صندلی مهمان آن وزیر مملکت نشسته است. مسلمان من مشکلی در گذشته نداشتم که روی آن صندلی نشستم. این ویدئوها هم عصاره‌ای است از آنچه من در مورد کارگردانی و ... می‌دانم و چندان برای جدی نیست. خیلی وقت‌ها پشت فرمان در چراغ قرمز آنها را ضبط می‌کنم و همان موقع پست می‌گذارم.

📌 پیشنهادهای تلویزیونی چگونه مطرح شد؟

پیشنهاد که خیلی بود. زمانی که صد هزار دنبال‌کننده داشتم از همه شبکه‌های ایرانی و خارجی به من پیشنهاد می‌دادند، اما صبر کردم آن پیشنهادی که برایم خوب است را انتخاب کنم. پیشنهادی که اتفاق خوبی برایم رقم بزند. سریال سرباز را قبل از سریال محرمانه قرارداد بسته بودم و برایم پروژه بسیار ویژه‌ای است.

📌 تا به حال بازیگران خوبی با حمید نعمت‌ا... و هادی مقدم‌دوست کار کرده‌اند.

دقیقا. تیم نویسنده‌ی، بازیگران، تهیه‌کننده و... خیلی خوب است. آقای شفیع‌ی بهترین سریال‌ها را تولید می‌کنند و از این جهت فرصت خوبی برایم ایجاد شده است.

📌 نقش‌تان در این سریال هم کم‌دی است؟

این شخصیت یک مشهدی بامزه است اما مثل محرمانه، فانتزی ندارد. چون اساسا سریال رئال است. سریال سرباز یک ملودرام اجتماعی است که به واسطه حضور من و نیما شعبان‌نژاد صحنه‌های خنده‌دار هم دارد. اما قصه‌اش خیلی جدی است. نقش اصلی را آرش مجیدی بازی می‌کند. او پزشک و وظیفه‌ای است که تازه ازدواج کرده و من، سیاوش خیرابی و نیما شعبان‌نژاد هم خدمتی‌هایش هستیم.

📌 سریال محرمانه اما همان‌طور که گفتید، فضای متفاوتی دارد و مختص نوجوانان است.

📌 شما که دوره نوجوانی را گذرانده‌اید...

نه. من هنوز نوجوان هستم، چون وقتی چشم‌انم را می‌بندم و می‌خواهم به چند خاطره فکر کنم، می‌بینم نوجوانی‌ام را خوب به یاد دارم. نوجوانی که به همین روزها فکر می‌کردم و باخود می‌گفتم در ۲۶ یا ۲۷ سالگی چه جوری هستم.

📌 متولد۷ هستید؟

📌 خُب پس شما که به قول خودتان هنوز در نوجوانی به‌سر می‌برید، بگویند سریال محرمانه چقدر توانسته است دغدغه‌های واقعی نوجوانان را نشان دهد؟

همیشه واقعیت یک چیز است و آن چیزی که ما می‌بینیم، چیز دیگر. نمی‌توانیم در یک

نمایش جهانی تولیدات عاشورایی و مناسبتی مرکز صبا

همچنین پویانمایی تلویزیونی «قلب خورشید» تولید مرکز صبا به کارگرانی احمد علمدار، یک اثر حماسی، پهلوانی و تاریخی است که در سرزمین سیستان زادگاه پهلوانان اسطوره‌ای نظیر زال و رستم اتفاق می‌افتد.

پیرمرد که مردم شهر او را پهلوان مراد صدا می‌کنند در جوانی سرداری نامدار بوده و اکنون در سالخوردگی مقام پهلوان اولی سیستان را دارد. او همواره پشتیبان مردم شهر بوده و در سختی‌ها و گرفتاری‌ها از هیچ کمکی دریغ نکرده است. به این سبب مقام و احترام بسیاری میان مردم دارد. او زورخانه‌ای در شهر تأسیس کرده و جوانان در آن علاوه بر تقویت جسم به پرورش روح و آموختن آیین فتوت و جوانمردی مشغول هستند.

